



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵ / ۱۲ / ۲۴

یونس نگاه

میله سیلابزدگان و سه نوع سیاست

سیاست لایه‌های گوناگون دارد. عریان‌ترین و داغ‌ترین بخش آن همان است که بین گروه‌های سیاسی در هر گوشه دنیا جریان دارد. پر از جنجال و دغل‌بازی و کشمکش‌های منفعت‌جویانه است. این نوع سیاست می‌تواند درون یک حزب، یک قشر و یک طبقه اجتماعی هم جاری باشد. دوری جستن از آن بد نیست، به‌خصوص برای هنرمندان مفید است. بخش دوم آن برای تقسیم منافع و منابع بین اقشار، طیف‌ها و طبقات گوناگون اجتماع جریان دارد که دایم در حرکت است و همه از آن صحبت می‌کنیم. این بخش سیاست در جوامع نورمال و صاحب دولت یا هر جای دیگر دنیا مسیر اصلی سیاست‌ها را تعیین می‌کند و احزاب و گروه‌هایی که موج‌های سیاسی درون جامعه را می‌شناسند، حرکت‌های بسیار موثر خوب یا بد را هدایت می‌کنند. مشارکت در این بخش سیاست را تعهد می‌خوانند. هنرمندان هوشیار از مشارکت در این سیاست برای غنای کار هنری خود بسیار سود می‌برند.

بخش سوم سیاست فراتر از اقشار و طبقات و گروه‌های اجتماعی دامن‌گیر همه است. بحران‌های فراگیر اجتماعی که منجر به فروپاشی نظام‌ها می‌شود، آفات و فجایع طبیعی، حرکت‌های تروریستی و در مجموع آنچه منافع بنیادی و حیات جمعی ساکنان سرزمینی را فوراً و در حال حاضر آسیب می‌زند، موضوع این لایه سیاست است. مشارکت در این بخش سیاست مسئولیت است و فراتر از تعهد قرار می‌گیرد. هنرمندی که از سهم‌گیری در این سیاست دوری جوید، در جامعه بیدار، مورد نفرت جمعی قرار می‌گیرد.

در مواقعی چون حاکمیت طالبان هر سه این لایه‌های سیاست برجسته می‌شوند و از این‌رو هر عمل اجتماعی، مذهبی و فرهنگی ما رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد. امارت طالبان بنیادهای حیات اجتماعی مردم ما را در همه سطوح متاثر ساخته است. بسته‌شدن مکاتب یا منع موسیقی، تعطیل قوانین، و تکفیر آزادی‌های مدنی اتفاق سیاسی نورمال نیست که فقط نیازمند واکنش نظام‌مند سیاسی و حزبی باشد.

در جامعه‌ای سیل‌زده اگر فاتحه برگزار می‌کنید، تفریح می‌کنید، آواز می‌خوانید یا تجارت می‌کنید، صحبت از سیل‌زدگان، تلاش برای رفع سیل و کاهش آسیب‌های آن، و آرزوی برگشت زندگی به وضعیت نورمال گریزناپذیر است و هرکسی در جریان آن بحران زیر درخت توت یا در باغ خانه‌اش محفل موسیقی برگزار کند اما در پایان برنامه یا در جریان آن از وضعیت اضطراری صحبت نکند، اشتباه می‌کند، و اگر جماعت حاضر هوش جمعی داشته باشند و وضعیت اضطراری محیط خود را درک کنند، باید آن آوازخوان را همراهی نکنند. اگر آن آوازخوان در

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

محفل آوازخوانی‌اش مانع صحبت از سیلاب‌زدگان شود و بگوید «لالا بمان کمی غم خورده گم کنیم، چقه غم بخوریم» کار درست انجام نداده است.

اگر جمعیت هم نشه باشد و نتواند شرایط اضطرار را درک کند، بعد از آن‌که اعتراضی در کوچه بالا شد و معترضان پرسیدند که جناب محترم چرا این آدمی را که آرزوی پایان سیل کرده است از مجلس کشیده‌اید، آن وقت آوازخوان باید عذرخواهی کند و از ضرورت برگزاری محفل بزم عاری از هرگونه سیاست در چنان شرایط بحرانی سخن نگوید. اگر بگوید باید به ظرفیت او در درک آن اضطرار و درد جمعی شک کرد. حتی اگر کسانی بگویند که این آوازخوان خان‌زاده در سیلاب سود دارد و بی‌خانمانی مردم برای او کارگر ارزان به ارمغان می‌آورد و زمین‌های خودش را ارزشمندتر می‌کند، باید به آنان حق داد.

دوستانی که می‌گویند محفل شخصی‌اش بود و دلش بایسکل‌اش، فراموش می‌کنند که آن‌جا از کدام کمپاین انتخاباتی صحبت نشده بود، از سیلاب و بحران فراگیری که دامن همه طبقات و اقشار و اقوام و «اجناس» را گرفته گپ زده شده بود. می‌گویند کسی که پایان سیلاب را آرزو کرده بود چندان آدم جدی نیست و خوش ما نمی‌آید. این هم دلیل نمی‌شود که در محفل بزم فرهاد دریا در جریان سال پنجم حاکمیت طالبان سخن گفتن از برگشت آوازخوانی به افغانستان و جمع‌شدن دامن امر بالمعروف سرکوب‌گر قدغن باشد. حتی اگر آدمی مست ناهوشیار از چنان آرزوی نیک سخن گفته باشد، باید همراهی شود.



آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین